

دکتر باقرپور کاشانی



بررسی امکان طول عمر حضرت نوح علیه السلام

هو اعلم

بررسی امکان طول عمر حضرت نوح علیه السلام

در قرآن مطرح شده که عمر نوح علیه السلام، عمر طولانی هست.

در سوره مبارکه عنکبوت آیه ۱۴:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا﴾

«ما فرستادیم نوح را به سمت قومش، پس درنگ نمود در میان قومش ۹۵۰ سال».

یعنی ۹۵۰ سال بین قومش تبلیغ دین را می‌کرد. این صریح آیه قرآن هست! یا

روایتی هست در اصول کافی در خصوص عمر نوح علیه السلام؛ چون این جا ۹۵۰ سال

زمانی هست که حضرت نوح مبعوث شده بین قومش و تبلیغ دین کرده؛ اما واقعاً

چند سالش بوده که مبعوث شده؟ و پس از اینکه طوفان نوح شد، چند سال بعد

از آن عمر کرد؟ در این خصوص، بین تاریخ انبیاء تشتت آراء هست؛ مختلف در

مورد سن نوح علیه السلام گفتند، اما همه سن بالایی را گفتند.

در روایتی در اصول کافی از امام صادق علیه السلام هست که فرمودند:

«عمر نوح ۲۳۰۰ سال بوده که ۸۵۰ سال قبل از بعثتش، ۹۵۰ سال بعد از بعثت

به تبلیغ مشغول شد تا زمان طوفان، و ۵۰۰ سال هم بعد از طوفان»؛ که جمعاً

می‌شود ۲۳۰۰ سال.

این یک عمر بسیار طولانی هست! همان ۹۵۰ سال هم عمر طولانی هست!
جمعی از مخالفین دین یا خداناباوران می‌خواهند بگویند این چیزهایی که در
کتب مقدس آمده، این‌ها مطالب باطل و برخلاف ساینس هست! برخلاف
واقعیت طبیعی هست! برای همین اشکال می‌گیرند می‌گویند که ما از نظر ژنتیکی
وقتی که جسم انسان را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که عمر یک حدّ یقفی دارد، و
این مقداری که آوردند با ساینس قابل جمع نیست.

تمام تلاش انسان این است که با بررسی و شناخت جسم انسان، بتواند تصرفی
بکند و راهکارهایی نشان دهد تا حدّ یقفی برای عمر انسان نباشد، یا از این مدتی
که هست بسیار طولانی‌تر بتواند عمر کند.

می‌نویسند (احمدالحسن):

«دانشمندان نیز به‌طور قطعی می‌دانند که انسان در زمان نوح علیه‌السلام و قبل از آن،
۱۰۰۰ سال یا حتی نزدیک به این مقدار زندگی نمی‌کرد. دقیقاً همان‌گونه که شما
طول خط‌کشی که در دست دارید به دقت می‌دانید.»

این ادعای عجیبی هست! این نسبت را به کل جهان ساینس می‌دهند که مثل این
می‌ماند یک خط‌کش سی‌سانتی که در دست هست می‌دانی سی‌سانت هست،
دانشمندان هم می‌دانستند که در ارتباط با زمان حضرت نوح علیه‌السلام که چند هزار سال
می‌گذرد، یک نفر این قدر عمر نمی‌کرد!

حرفی که ایشان زده این به نظر من حرف درستی نیست که بشود از لحاظ علمی این مسأله را ثابت کرد که در آن زمان هم کسی این قدر عمر نکرده! در صورتی که ما شواهدی داریم که در زمان حضرت نوح علیه السلام هم عمرها طولانی بوده نه به اندازه حضرت نوح علیه السلام، ولی عمرهای طولانی داشتند! مثلاً سام بن نوح، پسر و وصی حضرت نوح علیه السلام، قریب به ۵۰۰ سال عمر کرد! یعنی می خواهم بگویم در این اندازه عمرهای طولانی داشتند!

یا در ارتباط با امت حضرت نوح علیه السلام در تاریخ انبیاء خواندم ۳۰۰ سال، و تجاوز از ۳۰۰ سال، عمرها در این سطح نسبت به الان قابل مقایسه نبوده و بیشتر بوده است.

بعد می نویسند:

«اما مسأله عمر نوح علیه السلام و دیگر مسائلی که با واقعیت های علمی موجود مخالف است، نمی تواند آنچه را که ما اثبات کردیم (یعنی وجود خدا) دچار اشکال کند. چون ما می توانیم به طور خیلی مختصر بگوییم هیچ اشکالی وجود ندارد که خداوند معجزاتی را انجام دهد، گرچه برخی از آنها مخالف واقعیت های علمی موجود باشد. زیرا آن معجزات، حالات استثنائی هستند که می خواهد در ابتدا انسان آغازین را در مسیر ایمان به خدایی که خالق جهان است قرار دهد. به تبع، بعضی از این امور اساساً معجزه نیست، بلکه گزاره هایی است که فهم آن بر کسانی

که زبان متکلم را نمی‌دانند دشوار است، چراکه کسانی که عوالم بالا که قرآن از آن‌جا نازل شده را نمی‌شناسند، زبان قرآن را نیز نمی‌دانند».

این حرف هم از یک جهاتی جای اشکال و بحث هست که در جلسات آتی توضیح می‌دهم. می‌فرمایند اگر بحث اعجاز را بخواهیم مطرح کنیم، که خود بحث اعجاز هم برای اثبات دین بوده، انبیاء مجهز به سلاح اعجاز بودند، و یک نفری که مدعی مقام نبوت بوده، حجت‌اللهی بوده، برای اینکه بگوید من از ناحیه خدا آمدم، اعجازی هم اقامه می‌کرده؛ اعجاز به تناسب زمان خودش؛

اعجاز زمان حضرت موسی علیه السلام سحر و جادو بوده، عصای خشک می‌انداخته اژدها می‌شده! زمان حضرت عیسی بن مریم علی نبینا و آله و علیہ السلام، بحث طبابت در سطح بالایی بود، طبیبانی چون جالینوس در آن دوره بودند. حضرت عیسی علیه السلام، کور مادرزاد را بینا می‌کرد! یک فردی که مرده بود را زنده می‌کرد! از این سری معجزات گزارش شده. در خصوص خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در زمان ایشان بحث فصاحت و بلاغت و شعر و متن در سطح بالایی بود. لذا قرآن به تناسب آن معجزاتی که عرض کردم که در هر عصری به اقتضای آن صادر می‌شود، صادر شد.

پس می‌فرمایند که اعجاز، خودش مقدمه اثبات دین هست. نکته دیگر حالا اگر چنانچه مورد حضرت نوح علیه السلام اعجاز باشد، یعنی به صورت عادی انسان‌ها صد سال، دویست سال، نهایت سیصد سال عمر می‌کنند، اما اگر بحث اعجاز باشد

چه گیری دارد که خداوند بخواهد یک امر خارق العاده‌ای را انجام بدهد و عمر هم که دست خداست در نگاه دینی، و به خدا قدرت هم تعلق می‌گیرد، یک انسان را عمری بدهد به میزان ۲۳۰۰ سال! این گیر عقلی ندارد! با توجه به قدرت خدا که ﴿عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ هست، و اینکه این امر، امر محالی هم نیست، قدرت به امر ممکن تعلق می‌گیرد، لذا به حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام چنین عمری داده است.

این متوقف هست یک نفر خدا را قبول کند اگر این را بخواهیم بگوییم که غیر عادی هست و این را امر ممکنی بدانند، یعنی امر محالی ندانند، چون در اموری قدرت خدا به امر محال تعلق نمی‌گیرد؛ این امر محالی نیست که یک نفر طول عمری در ارتباط با آن اعطاء شود!

تمام

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ